



## اهدای دو مجموعه ارزشمند به کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

کتابخانه شخصی مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب  
کتابخانه شخصی استاد ایرج افشار

پیوندهای فرهنگی را استوارتر سازیم، به تلاش خویش بیفزاییم و این راه را با گامهای فرسنگی بپیمائیم. به روح پرفتوح شادروان استاد دکتر زرین کوب درود می فرستیم و استاد ایرج افشار را سپاس می گوئیم. در زیر آنچه این دو چهره سترگ فرهنگی کشور، به عنوان اسناد واگذاری گنجینه های خویش نوشته اند، به آگاهی می رسد. از مشروحه آقای ایرج افشار، مواردی که جنبه اختصاصی داشته است، فرو گذاشته شد.

مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

نخستین مجلّات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چنین شور و شوق و امیدی در دل های فرهیختگان کشور ما پدید آورده، و آنان را به اینگونه یاوریهای فرهنگی برانگیخته است. این یاوریهای، به دانشمندان و پژوهشگران کشور نیرو می بخشد، تا کاری را که آغاز شده است، شتابان تر به پیش برند. می دانیم که جامعه ما، تا قله بلند فرهنگ درخشانی که می تواند و باید بدان دست یابد، هنوز بسیار فاصله دارد. باید ارزش این شور و اشتیاق را دریابیم،

اشاره: همکار گرامی ما، زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، دو سال پیش از آنکه این جهان را ترک گوید، کتابخانه ارزشمند و نیز مجموعه گران سنگ یادداشتهای خود را به کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی پیشکش کرد. اکنون نیز یک بار دانشمند دیگر، استاد ایرج افشار، نگهداری از گنجینه کتابها و یادداشتهای پر بهای خود را به این مرکز سپرده است. مایه شادی و خوشوقتی است که انتشار

### قسمتی از وصیت نامه آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب

حاصل عمر هفتاد و شش ساله من درین ملک، یک کتابخانه شخصی است با همین مجموعه پنجاه شصت جلد تألیف. این هر دو را هم به ملت ایران تقدیم می کنم. کتابخانه به دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و تألیفات را به فرد فرد ملت ایران و دست اندرکاران نشر کتاب هدیه می کنم. چیز ارزنده دیگری که قابل تقدیم به ایران و فرهنگ ایران باشد، ندارم و امیدوارم این دو هدیه ناقابل را از من بپذیرید. کتابخانه ام بعد از من به دایرةالمعارف هدیه می شود تا پژوهندگان و دانشوران کشور، بدون هیچگونه رنج و مؤونتی به آنها دسترسی یابند. نوشته هایم را نیز با نظارت دایرةالمعارف در دسترس ناشران می گذارم تا به بهای ارزان در دسترس طالبان بگذارند.

عبدالحسین زرین کوب

## نامه استاد ایرج افشار خطاب به رئیس مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

ریاست محترم

مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

با ادای احترام نسبت به فرهنگ پایدار ایران - که من کوشیده‌ام خادم آن باشم - و به دنبال مذاکره‌ای که درباره سپردن کتابخانه شخصی خود به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی با جناب عالی انجام شده است اینک نسخه‌ای از مشروحه‌ای را که در معرفی مجموعه‌های کتابخانه و شروط و مباحث ضروری دیگر نوشته‌ام و در پانزده صفحه امضا شده است تقدیم می‌دارم تا آن مرکز نظر قطعی و رسمی و قبولی خود را نسبت به همه مندرجات آن مشروحه و این نامه دائر بر اجرای کامل شرایط مندرج در آن به بند

اعلام فرمائید. پس از آن که به دریافت پاسخ نائل شوم نسخه‌ای از مشروحه مذکور را با فتوکپی این نامه و فتوکپی جوابیه مرکز به فرزندان خود و اعضای هیئت امناء برای اقدامات پس از من خواهم داد. اینک که این نامه تقدیم می‌شود موارد ذیل را هم متذکر می‌شود که مورد قبول قرار گیرد و در نامه خود بدان عطف نظر فرمایند.

۱. کتابخانه به طور مستقل در جای مخصوصی نگاه‌داری خواهد شد.
۲. نظر هیئت امناء همیشه مجری خواهد بود و ناظر را همیشه از جریان کارها مطلع خواهید کرد.
۳. در صورت توقف فعالیت مرکز یا تغییر در هدف آن تمام مجموعه به کتابخانه

ملی کشور تحویل می‌شود.  
۴. به هر یک از فرزندانم - در صورت تمایل - منظمأ یک دوره دایرةالمعارف داده شود تا یادگاری به جای کتابهای پدرشان داشته باشند.

همانطور که عرض شد نسخه‌ای از همه اوراق به فرزندانم داده می‌شود که نسبت به انتقال کتابخانه در موقع خود اقدام کنند. امیدوارم در حوادث زندگی آینده من ضرورتی و اتفاقی پیش نیاید که اجبار به تجدید نظر شود و آرزو دارم که نیتم به طور کامل به مورد اجرا درآید و این مجموعه در اختیار و مورد استفاده دانشمندان ایرانشناس باشد. البته آنچه را هم که اکنون ممکن باشد به تدریج منتقل خواهم کرد.

ایرج افشار

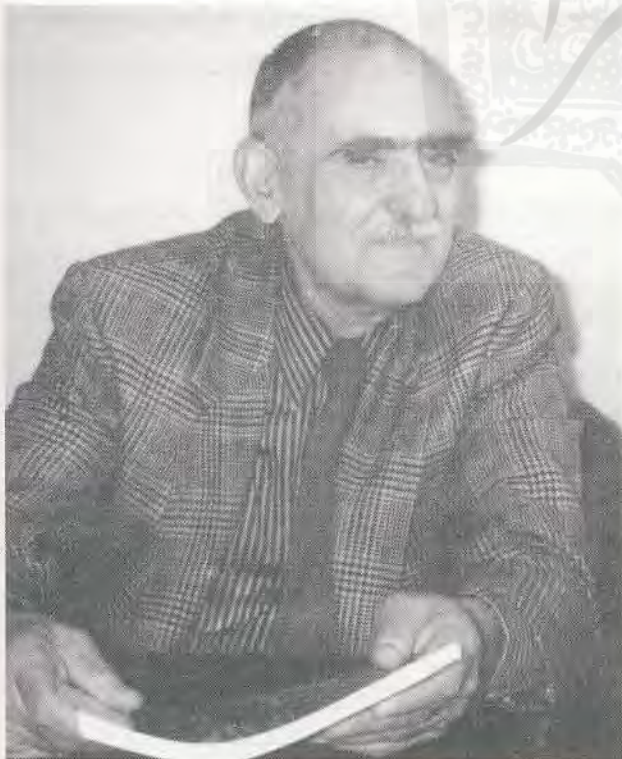
دوازدهم آبان ماه ۱۳۷۸

### متن مشروحه اهدائی گنجینه پژوهشی استاد ایرج افشار

به نام خداوند جان و خرد

#### مقدمه

به موجب این مشروحه، کتابخانه شخصی اینجناب که حاوی مجموعه‌های مذکور در همین مشروحه و مخصوص و مناسب برای پژوهشهای ایرانشناسی است بنا به مذاکرات موافقت‌آمیزی که با مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی شده است، به منظور بر کنار ماندن از پراکندگی (که خود ناظر پراکنده شدن بسیاری از کتابخانه‌های ارزشمند بوده‌ام) و مشروط به رعایت همه انتظارات و قیودی که طبق این مشروحه بر عهده «مرکز» گذاشته شده است، به «مرکز» مذکور سپرده می‌شود تا در ساختمان تازه ساز واقع در آجودانیه شمیران (تهران) استقرار یابد و با نگاهیانی دلسوزانه که نسبت به همه متعلقات آن مجری خواهند داشت، همیشه و بی هیچ مضایقه و به دور از ایجاد هر گونه مشکلی وسایل استفاده علمی و پژوهشی از آن برای هر ایرانشناسی اعم از ایرانی و خارجی و محققان رشته‌های مرتبط فراهم باشد. در حقیقت «موقوف» علیهم این مجموعه کسانی خواهند بود که در زمینه ایرانشناسی



تحقیقات عالی می‌کنند. قصدم بر آن است که مجموعه‌های این گنجینه (کتابها، رساله‌ها، عکسها، اوراق، اسناد، نوشته‌ها و برگه‌ها) هم در تحقیقات «مرکز» به کار گرفته شود و هم کسانی که در راه مطالعات ایرانی به تحقیق می‌پردازند و نیازی به نوعی از متعلقات کتابخانه من داشته باشند، محروم نمانند.

من کتابدار بوده‌ام و در دوران خدمت خود کوششم بر آن بوده است از هر گوشه جهان که ممکن شود چیزی به چنگ بیاورم تا بر گنجینه کتابخانه‌های دانشکده حقوق، دانشسرای عالی، کتابخانه ملی و مرکزی دانشگاه تهران که در آنجاها خدمت کرده‌ام افزوده شود. و سرافرازانه مایه خوشحالییم آن بود آنها را بی مضایقه و تنگ چشمی و کم حوصلگی در اختیار هر کسی بگذارم که از گوشه‌ای دور یا نزدیک به طلب آنها، شوق و همت خود را بدرقه راه می‌کرد. کتابخانه برای همین است و حبس کردن آن ستیز کردن است به علم.

گنجینه شخصی من هم به طوری که توصیف خواهد شد با چنین ذوق و شوقی گردآوری شده است. پس بدین نیت و با علاقه مندی قلبی به رسته ایرانشناسان، یعنی دانشی مردان خادم ایران پیشکش می‌شود و بر من فرض است یادآور شوم که بخش بزرگ این گنجینه یادگار سالهایی است که همسر دمساز درگذشته‌ام (شایسته افشاریه) صبورانه در نگاهبانی آنها پای فشرده است.

بلی، کتابها و اوراق این گنجینه در مدت پنجاه سال، دانه دانه و برگ برگ، از چهار سوی جهان گرد آمده است. مبلغی کثیر از آنها تک تک از دست مخدومی به دستم رسیده، یعنی آن کتابهایی که از جانب مؤلفان و ناشران سخاوتمند به من اهدا شده است. اوراق و اسنادی هم که درین گنجینه هست، برگ برگ به کنار هم آمده است. هر یک سرگذشتی از واقعه‌ای یا خاندانی را دربر دارد و همه آنها مرحمتی صاحبان گشاده دست و دلسوز آنهاست که بر من منت گذارده و آنها را برای نشر در اختیارم گذارده‌اند، یا صورت امانت دارد یا آنکه به من تعلق گرفته است. نور چشمان عزیزم: بابک، بهرام، کوشیار و آرش با آگاهی بر این که کتابخانه پس از من به حکم توارث در نوبت آنان تعلق می‌گیرد و چهار پاره می‌شود (و مآلاً به تقسیم و تفرقه‌های پس از آن دچار خواهد شد) موافق و مؤید بر اجرای نیت من بوده‌اند. پس در حقیقت، سپردن کتابخانه من به «مرکز» مذکور کاری است بزرگوارانه که از سوی آنان انجام می‌شود. بخششی است از آنها به پیشگاه خادمان فرهنگ و وطنشان و دوستداران آینده رشته‌ای که

پدرشان عاشقانه کوشیده است مگر از گنجینه طرازان آن بوده باشد. سرافراز و شادم از اینکه آنها دلبسته‌اند که کوششهای من در گرد آوری کتابها و اوراق و نوشته‌ها، همراه خاطره ارجمند مادرشان که سالها و بارها گرد و خاک از جلد و پوست این کتابها سترده بوده است پایدار بماند و ایرانشناسان آینده را به کار آید.

تأکید را به طور وصیت هم یادآور می‌شوم (در حکم وصیت در ثلث) چنانکه در زمان زندگی نتوانم کتابخانه را کلاً به محل «مرکز» منتقل کنم، فرزندانم از فردای روزی که نیستم از «مرکز» خواهند خواست تا نسبت به انتقال کتابخانه اقدام کنند و هر چه هست به آنجا برده شود. البته در مورد آنچه صورت امانت دارد باید برای هر یک تکلیف نهایی با نظر صاحبان امانت و هیأت امناء مشخص گردد.

به هر تقدیر، کتابخانه‌ام که درین مشروحه «گنجینه» نامیده می‌شود و مشخصات مربوط به اجزاء و متعلقات آن جدا جدا بر شمرده خواهد شد به «مرکز» سپرده می‌شود. نظارت استصوابی در حفظ و حراست آن، همواره با ارشد فرزندان بلافضل من یا ارشد اولاد آنان در هر زمان خواهد بود و اکنون این کار بر عهده آقای بابک افشار است که نسبت به سه برادر خود بزرگترست. مگر آنکه ایشان یکی از برادران را به جای خود معرفی کند.

برای حسن اجرای نیت خود (مخصوصاً بند الف) از این افراد که نام شریفشان به عنوان هیأت امناء معرفی می‌شوند انتظار دارم بذل توجه و اقدام کنند و سالی یکبار با هم بنشینند و گزارش کتابخانه را مورد رسیدگی قرار دهند.

۱- ناظر استصوابی مذکور در سطور پیش

۲- آقای ساسان دکتر افشار برادر خود (ایشان جانشین خود را معین خواهد کرد و بعدها نیز به همین ترتیب).

۳- آقای کاوه بیات، پژوهنده معاصر (ایشان جانشین خود را معین خواهد کرد و بعدها نیز به همین ترتیب).

۴- نماینده کتابخانه ملی که نخستین آن به انتخاب اینجانب آقای کامران فانی خواهد بود و از ریاست محترم کتابخانه مذکور خواهشمند است ایشان را رسماً معرفی کنند.

۵- نماینده رئیس وقت «مرکز»

درین ده ساله که در اندیشه سپردن کتابخانه به یکی از مؤسسات عمومی بوده‌ام (و به شادروان همسرم گفته بودم که چون روز واقعه من رسید نیتم را مجری سازد) به چند جا نظر داشتم: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه طهران که خود پانزده سال متصدی آن بودم - کتابخانه ملی که هفت ماه مسؤلیت



## فروغستان

دانشنامه‌های ایران‌شناسی

تألیف  
مهندس منوچهر اسفندی  
برسال ۱۳۵۸ م

برچسب  
ایرج‌نشر

روبرت رویمر، هانری ماسه، آن لمبتون، ژان اوین، ژیلبر لازار، دوشن گیلمن، برت فراگنر، مینو بو هوندا و دیگران و شاید یکصد تن دیگر ازین طبقهٔ ایران‌شناس که یادگارهایشان درین مجموعه موجود می‌باشد.

بخش دیگر از این گنجینه، کتابهای خریداری است، چه فارسی و چه به زبانهای خارجی. کتابهای خارجی خرید شده، همه در زمینه‌های اصلی مربوط به مطالعات ایران‌شناسی است، مخصوصاً مآخذ و منابع اساسی در زمینهٔ کتابشناسیها، فهرستهای

نسخه‌های خطی و دائرةالمعارفها.

بخش دیگر این گنجینه، اوراق و اسناد و عکس و نوشته‌ها است که به تفاریق ازین و آن به من رسیده و یا به امانت به من داده شده است. وضع و کیفیت هر یک ازین گونه‌ها را جداگانه خواهیم نوشت. در مورد آنها که جنبهٔ امانی دارد امیدوارم صاحبان آنها یا وراث قانونیشان رضایت بدهند درین گنجینه به یادگار خاندانشان بمانند. در صورتی که رضایت ندهند، بر «مرکز» حتم و فرض است که به صاحبان اصلی مسترد دارند یا از آنها خریداری کنند.

درین گنجینه، کتابی غیر مرتبط با مباحث ایران‌شناسی و مطالعات وابسته بدان وجود ندارد. این گنجینه از کتب عادی و مباحث اجتماعی و حقوقی و مآخذ علمی و فنی و ترجمه آثار ادبی ملل دیگر عاری است. این گونه کتابها را زمانی که مجله نویسی می‌کردم دریافت می‌کردم، ولی آنها را در گنجینه کتابهای خود نگاه نداشته‌ام. در دوره‌ای که راهنمای کتاب نشر می‌شد (۱۳۳۷-۱۳۵۷) و کتابخانهٔ عمومی انجمن کتاب دایر بود، آن گونه کتابها را به آن کتابخانه می‌سپردم. افسوس که آن دستگاه بی‌سرنوشت شد و در تصاریف زمانه به سال ۱۳۵۸ از میان رفت. پس از آن، از میان کتابهایی که به مجله آئنده می‌رسید فقط آنها را نگاه داشته‌ام که برای مطالعات ایران‌شناسی مفید بوده است. کتابهای دیگر با کتابهایی که متناسب مطالعات ایرانی بود توسط کتابفروشان تعویض شده و قسمتی از گنجینهٔ فعلی را در بر گرفته است.

آوردن توضیحی بدین تفصیل از این لحاظ است که گنجینهٔ خود را به حد ممکن بهتر بشناسانم و پاسخ سؤال مقدر آئندگان را داده باشم. به سخنی دیگر، این گنجینه در مدت بیست سال اخیر که از کتابخانه‌های تهران استفاده نمی‌بردم، برای کارهای

ادارهٔ آن را داشتم - کتابخانهٔ دانشگاه یزد، به مناسبت آنکه شهر یزد موطن پدر و مادرم بود - مرکز آموزش بین المللی زبان فارسی، به مناسبت آنکه در محل موقوفهٔ دکتر محمود افشار مستقر است).

اما پس از این که آگاه شدم ساختمان مجهز و اساسی دائرةالمعارف در نزدیک محل سکونت خودم پایان گرفت و برایم مشهود شد که محققان دلسوز و طالبان رشتهٔ ایران‌شناسی از کتابخانهٔ آنجا استفادهٔ شایان و آسان می‌برند، آنجا را مناسب‌تر و

مطمئن‌تر از جاهای دیگر تشخیص دادم و برای خودم روشن شد در صورت انتقال کتابها بدانجا مراجعاتم در دوران کهولت آسانتر و زودتر انجام شدنی خواهد بود. بدین مناسبت مصمم شدم کتابخانه را به آنجا بسپارم.

### معرفی گنجینه

این گنجینه محتوی است بر کتابها، مجله‌ها، رساله‌ها، عکسها، اوراق، اسناد، نامه‌ها، برگه‌ها و نوشته‌های گوناگون. طبعاً قسمت اصلی و عمدهٔ آن کتابهاست. حق‌شناسی حکم می‌کند بنویسم که بخش زیادتر از کتابها و مجله‌ها آنهاست که نویسندگان و ناشران به من اهدا کرده‌اند، یعنی رایگان به دست من آمده است و رایگان از دست نمی‌دهم، یعنی نمی‌گذارم که به دست تفرقه بیفتد. در حقیقت، یادگاری است از نویسندگان آن کتابها و بسیاری از آنها دستخطی را در صفحهٔ نخستین در بردارد، مانند خطوط این بزرگان و برگزیدگان فرهنگ ملی، از آنها که در گذشته‌اند: سید حسن تقی زاده، ابراهیم پورداوود، علی اصغر حکمت، سعید نفیسی، دکتر رضازاده شفق، دکتر فخرالدین شادمان، سید محمدعلی جمال زاده، مجتبی مینوی، دکتر محمد معین، محمدتقی مدرس رضوی، بدیع الزمان فروزانفر، محمود فرخ، نصرالله فلسفی، علی مؤید ثابتی، اللهیار صالح، رضاعلی دیوان بیگی، دکتر لطفعلی صورتگر، فریدون توللی، دکتر مهدی بیانی، مهدی بامداد، محمد صدر هاشمی، حبیب یغمایی، دکتر پرویز ناتل خانلری، محمدتقی دانش‌پژوه، دکتر عباس زریاب، دکتر غلامحسین یوسفی و عدهٔ کثیر دیگری که نام شریفشان را در کتابها باید دید. همچنین عدهٔ زیادی از ایران‌شناسان بنام خارجی از جمله سرهارولد گیب، ولادیمیر مینورسکی، بازیل نیکی تین، هانس

پژوهشی من پاسخگو بوده است. نیازی نداشته‌ام که به کتابخانه‌ها برای یافتن مصادر مربوط به مطالعات خود مراجعه کنم. این نکته احتمالی را هم بیاورم که اگر روزی روزگاری «مرکز» نتواند یا نخواهد حافظ این کتابخانه و برآوردن نیات سپارنده آن، مخصوصاً از حیث پاسخگویی به مراجعان باشد و یا آنکه به هر مناسبتی، فعالیتشان متوقف بماند و یا نخواهند گنجینه را به طور مستقل و در جای مخصوص نگاه دارند، همه مجموعه‌هایش باید با نظارت هیأت امانا به کتابخانه ملی تحویل و سپرده شود. اینک می‌پردازد به شروط ضروری.

### الف- ضبط و حفظ گنجینه

۱. تمام آحاد مجموعه (کتابها، رساله‌ها، عکسها، اوراق و غیره) به مهری که سجعش «گنجینه پژوهشی ایرج افشار» خواهد بود، مهور شود. این مهر در صفحه دوم و سی‌ام و پایان باید زده شود. چنانکه کتاب کم ورق باشد، در صفحه دوم و پایان کافی خواهد بود. بر اوراق و اسناد زدن مهر بر جایی که نوشته نداشته باشد کفایت می‌کند.

تبصره: در مورد امانیها، زدن مهر پس از تعیین سرنوشت آنها باید انجام شود.

۲. نام کلیه کتابها، رساله‌ها در دفتر چاپی مخصوصی که ستون بندی و حاوی این اطلاعات و دارای شماره گذاری ترتیبی باشد باید به ثبت رسانیده شود. شماره هر کتاب بر صفحه دوم آن کنار مهر نیز نوشته شود. دفتر، حاوی این مشخصات خواهد بود: نام کتاب، نام مؤلف (و مترجم یا مصحح)، محل چاپ و سال، مخصوصاً ذکر یادداشت اهدایی اگر داشته باشد.

۳. دفتری خاص اوراق و اسناد و عکس و با شماره گذاری جداگانه حاوی این اطلاعات باید تهیه شود: نوع سند (حکم، فرمان، قبالة و ...). نام صادر کننده سند، تاریخ صدور و نام اهداء کننده اصلی.

۴. مرکز، این گنجینه را به طور مستقل در محل خاصی به صورت غیر باز نگاه داری خواهد کرد و لوحه‌ای بدین عبارت برای معرفی آن بر دیوار محل مذکور نصب خواهد کرد:

«گنجینه پژوهشی ایرج افشار»  
«بنابه نیّت و توصیه پدرومان مجموعه»

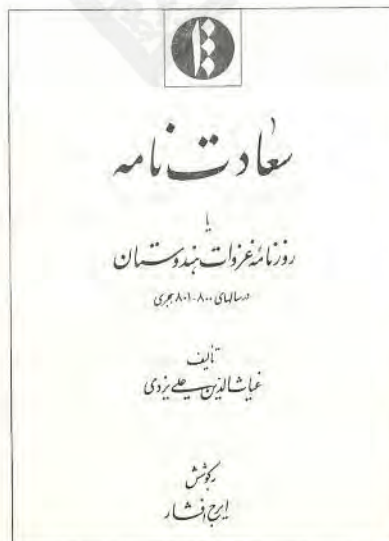
کتابها، مجله‌ها، رساله‌ها، مقاله‌ها، اوراق، اسناد و عکسهایی که توسط ایشان برای پژوهشهای ایرانشناسی گردآوری شده و آنها که امانی است به کتابخانه «مرکز» سپرده می‌شود، تا طبق شرائطی که در مشروحه توصیفی ایشان مقید و مضبوط است، آن انتظارات برآورده و عملی شود. »

بابک، بهرام، کوشیار، آرش

۵. کتابخانه در حال حاضر به تقسیم بندی دلخواه من منظم شده است و تا زنده‌ام بر همین نظام باقی می‌ماند، زیرا بدان مأنوسم و می‌دانم هر کتاب در کجاست. ولی «مرکز» پس از آن را مطابق تقسیم بندی کنگره، طبقه بندی و فهرست نویسی خواهند کرد و با نشانه‌ای اضافی، تعلق آن را بدین گنجینه خواهند شناسانید. تقسیم بندی فعلی به طوری که در قفسه‌ها چیده شده چنین است:

کتاب اروپایی درباره ایران - فهرستهای نسخه‌های خطی - کتابشناسیها - تذکره و رجال - لغتنامه‌ها - انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - انتشارات بنیاد فرهنگ ایران - انتشارات انجمن آثار ملی - انتشارات موقوفه دکتر محمود افشار - انتشارات مؤسسه الفرقان - انتشارات مرکز تحقیقات فارسی - دوره پنجاه ساله یادبود سلطنت پهلوی - متون فارسی جلد سیاه چاپ شوروی - خوشنویسی - خاطرات و تاریخ دوره قاجار - شهرنامه‌ها - متون جغرافیایی - سفرنامه‌ها - تاریخ ادبیات و شعر و ادب - تواریخ ممالک همجوار - دیوانها - تذکره‌ها و گزیده‌ها - شعر معاصر - داستان معاصر - مجموعه‌های مقالات و جشن نامه‌ها و کنگره‌ها - منشآت - متون نثر - متون عرفانی - ادیان - باستانشناسی - مردمشناسی - لهجه‌های ایران - دستور و زبان شناسی - علوم ایرانی - مجلات (ایرانی و خارجی) - کتابهای قطع رحلی - کتابهای چاپ سنگی - جزوات و رساله‌ها - نشریات ادواری. این مجموعه در چهل و دو قفسه آهنی بلند و دو قفسه کوتاه قرار دارد و هر قفسه به نه طبقه تقسیم شده است و حدوداً سی و پنج کتاب که در هر طبقه گذاشته شده باشد، تعداد کتابها از رقم سیزده هزار کمتر نیست.

۶. امیدوارم انتقال گنجینه از خانه مسکونی به مخزن «مرکز» به تدریج توسط اینجانب آغاز شود. پس از من بر فرزندانم (مخصوصاً ناظر استصوابی) فرض است، عاجلاً نسبت به انتقال آن اقدام کنند و



«مرکز» کمک لازم را برای انتقال بنماید.

در این گنجینه است، الزاماً می‌باید نام مالک اصلی در پژوهشها قید شود.

۵. خواندن و استفاده از مطالب نامه‌های اشخاص به من، و نشر هر یک از آنها فقط در مورد افرادی جایز و آزادست که در گذشته‌اند. در مورد افرادی که حیات دارند، مسجلاً و الزاماً با کسب اجازه از آنان مجاز خواهد بود.

### ج- اجزاء گنجینه

۱. بخش خاصی ازین گنجینه، به مجلات اساسی فارسی اختصاص دارد. این گنجینه دارای اغلب مجله‌های تحقیقی و دانشگاهی است. اغلب هم تجلید شده است، مگر مجلات سالهای ۱۳۷۰ به بعد که به سبب گرانی صحافی، دوره هر سال از هر مجله جدا جدا بسته بندی شده است. تعداد مجلدات مجله‌ها حدود هزار مجلد است. فهرستی ازین بخش مناسب است به همراه یکی از فهرستها به چاپ رسانیده شود.

۲. بخش کتابهای اروپایی حاوی کتابهای تحقیقی، دائرةالمعارفها و مجله‌های خاص ایرانشناسی است.

خوشبختانه دوره نسبتاً کامل مجله‌های آستراکتایرانیکا-ایرانیکا آنتی کوا-مجموعه آکتایرانیکا-ایرانین استادیز-استودیایرانیکا-ایران-ایرانیش میتالیونگن-انجمن باستانشناسی آلمان-کتیبه‌های ایرانی) درین گنجینه گردآوری شده است. کتابهای اروپایی همه در مباحث ایرانشناسی است. نیز دوره انتشارات مؤسسه الفرقان.

۳. کاتالگهای کتاب فروشانی که تخصصشان فروش کتابهای شرق شناسی است، از مجموعه‌های ارزشمند این گنجینه در

شمارست و برای مطالعات کتابشناسی وسیله‌ای اولی و بسیار قابل استفاده است. مانند دوره کامل فهرست کتابفروشی «آداورینتم» که مؤسسه‌ای از میان رفته است و در دوره فعالیت خود، مهمترین مرکز خرید و فروش کتابهای شرق شناسی بود. همچنین کاتالگهای لوزاک و بریل و هاراسوویتز از ذخایر این گنجینه است که به آسانی در کتابخانه‌های ایران دستیاب نمی‌شود. درین قسمت، پنجاه تائی از کاتالگهای چاپی نفیس نسخه‌های خطی و آثار عتیقه ایرانی وجود دارد که مؤسسه

۷. «مرکز» این اقرارنامه را به صورت کتابچه‌ای چاپ خواهد کرد. همراه این اقرارنامه باید اسامی همه افرادی که نامه از آنان دریافت کرده‌ام (و فهرست آنها را در دفاتری نوشته‌ام) و همچنین عکس عده‌ای از خطوط اهدا کنندگان کتابها برای بازماندن نام آنان به چاپ رسانیده شود و جزوه به رایگان توزیع شود.

۸. «مرکز» پس از انتقال کتابخانه، نخست باید به فهرست نویسی جزوات و رساله‌ها و مقالات برگرفته شده از مجلات اقدام کند. این کار ازین نظر ضرورت دارد که این گونه آثار کمتر در کتابخانه‌های دیگر نگاه داری شده است یا می‌شود. طبعاً در دسترس قرار گرفتن آنها موجب پیشرفت و گسترش تحقیقات ایرانی خواهد بود. این فهرست پس از تهیه به طور مستقل می‌باید به چاپ رسانیده شود. زیرا به گمان خودم بخش پرفایده‌ای ازین گنجینه، ازین راه به محققان شناسانده می‌شود و محققان «مرکز» دسترسی به منابعی پیدا می‌کنند که به آسانی در دسترس نبوده است. تعداد این جزوه‌ها احتمالاً به پنج هزار بالغ می‌شود.

۹. مجله‌های جلد ناشده و کتابهایی که احتیاج به صحافی دارد به تدریج تجلید و مرمت بشود.

۱۰. چاپ کردن فهرستهایی که جای جای ذکر آنها شده است.

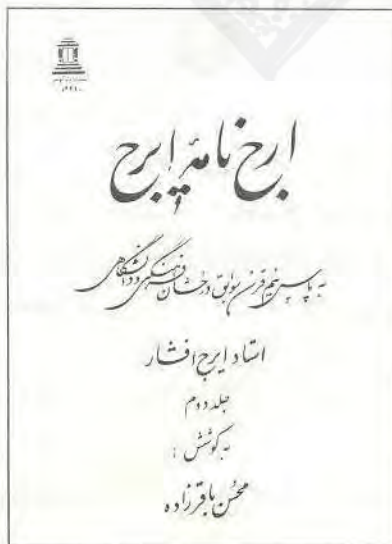
### ب- طرز استفاده

۱. استفاده ازین گنجینه (به صورت خواندن در محل «مرکز» -یادداشت برداری- میکروفیلم سازی-عکس برداری-فتوکپی و طریقه‌های دیگر) برای همه محققان پژوهشهای ایرانی، یعنی ایران شناسان از هر قوم و ملیت آزادست.

۲. کتابی و ورقی و چیزی از این گنجینه را نمی‌توان به امانت از کتابخانه به خارج از «مرکز» برد. استفاده در بخشهای «مرکز» هم نباید از دو هفته تجاوز کند.

۳. فقط شخص ایرج افشار مجازست با دادن رسید هر چه را از مجموعه خود لازم دارد از «مرکز» به خارج ببرد و بازگرداند و آنها را که امانت است، محق است که به صاحبانشان برگرداند.

۴. در مورد استفاده از اسناد و اوراق و منابعی که به طور امانی نزد اینجانب بوده و



معروف ساتبی (لندن) به چاپ رسانیده بوده است.

۵. کتابهای نایاب، کمیاب، گران یاب و دیرباب، مانند نقطه الکاف (چاپ اصلی)، اسرار التوحید (چاپ روسیه)، الابنیه عن حقایق الادویه (چاپ عکسی)، تمثیلات آخوندزاده (چاپ اصلی) که هم کمیاب است و هم به مناسبت الصاق دو یادداشت خط آخوندزاده بدان ارزش خاص دارد و این یادداشتها یادآور اهدای کتاب به فرهاد میرزا معتمدالدوله است، مردم گریز (حبیب

اصفهانى)، منشئات فریدون بیگ، دیوان امیرشاهی (چاپ عکسی)، لغات شاهنامه ولف، چاپ اصلی با جلد ممتاز، و دوپست جلدی دیگر ازین گونه مطبوعه‌ها.

۶. حدود یکصد و پنجاه جلد چاپ سنگی درین مجموعه هست. تعدادی از آنها دارای تصویر می باشد.

۷. مقداری عکس نسخ خطی و حلقه‌های میکروفیلم از نسخه‌های خطی (مانند مختصر مفید، ترجمه آثار الیاد، شاهنامه نسخه‌های ژاپون، سفرنامه استرآباد، سفرنامه ادیب الملک، منافع حیوان، سفرنامه بلوچستان، قصص الانبیاء، سفارتنامه خلیل شیرازی، تواریخ نسخه لیدن، تحفة العراقین، مسالک و ممالک، مجمل التواریخ، غزوات تیمور، آثار و احیاء، جواهرنامه، ترجمه لاتینی گلستان، مرشد، و فیلمهای دیگر).

۸. کتابهای یادگاردار به خط مؤلفان آنها که در جای دیگر این مشروحه نام عده‌ای از آنها آورده شد. تهیه فهرست اهم آنها ضروری است.

۹. نقشه‌های جغرافیایی ایران (غیر از هشت قطعه نقشه قدیمی خارجی که قاب شده و متعلق به فرزندان من است و امانی است) در دو بسته.

۱۰. کتابها و مقاله‌های چاپ کرده خودم که در دو قفسه جداگانه نگاه داری می شود. این مجموعه، وقف بر اولادم و احفاد آنان است و باید همیشه به طور جداگانه نگاه داری شود. ولی محل نگاه داری آنها در همین گنجینه است. علت این امر آن است که بر بسیاری از آنها یادداشتهای الحاقی و اصلاحی و توضیحی نوشته‌ام، برای آنکه در چاپهای بعدی مورد استفاده قرار گیرد. پس فرزندانم مراقبت خواهند داشت که در صورت تجدید طبع هر یک از کتابها، یادداشتهای این نسخه‌ها در آن چاپها وارد شود.

مجازند به اینکه نوشته‌ها را استخراج کنند. جزوه‌ها و مقاله‌های چاپی از نوشته‌های خودم در هفده (فعلاً) قوطی مقوایی، گذاشته شده و در شمار بخش رده دهم است و با آنها نگاه داری خواهد شد و همان شرائط را دارد.

#### د- امانات

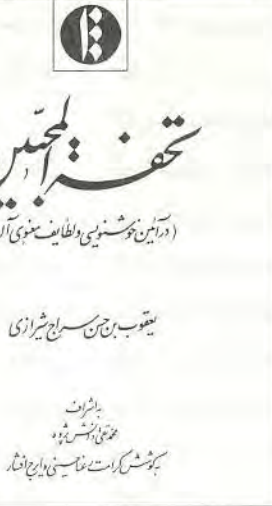
۱. چهل و سه نسخه خطی (که صورت آنها جداگانه همراه است) به انضمام تعداد بیست دفتر سیاقی محاسبات تجاری و کسب

خریداری شده از کرمان و یزد که جمعاً آنها را به مناسبت علاقه مندی فرزندانم به آنها داده‌ام و ملک آنهاست. بنابراین امیدوارم برای اینکه از پراکندگی محفوظ بماند و ازین گنجینه جدا نشود از فرزندانم با تقویم خبره خریداری شود. از جمله نسخه دیوان مرصع حافظ است که ... خریداری کرده‌ام. دیگر، اوراق مصور جزوی از عجائب المخلوقات مصور از عصر صفوی است. دیگر، نسخه هزار حکایت است که دومین نسخه موجود از آن کتاب منثور فارسی است و در کابل آن را خریداری کرده‌ام. همه آنها در گنجینه آهنی سبز قرار دارد.

۲. حدود چهل مجلد، سفرنامه خارجی قدیمی که در اروپا خریداری کرده‌ام و در گنجینه سبز آهنی قرار دارد و حدود پانزده جلد کتابهای قدیمی مربوط به ایران که نزد برادرم در پاریس است، به فرزندانم بخشیده‌ام، ولی چون میل دارم ازین مجموعه پراکنده نشود «مرکز» به تقویم خبره از آنها خریداری خواهد کرد.

۳. هشت قطعه نقشه ایران چاپ قدیمی اروپا درین گنجینه وجود دارد که به فرزندانم بخشیده‌ام، ولی در خانه من است و امیدوارم آنها برای پراکنده نشدن جملگی را به «مرکز» بفروشند.

۴. آنچه عکسهای قدیمی (شاید هزار تا؟) و کارت پستالهای مربوط به ایران و تعداد زیادی عکس از ادبا و شعرای ایران درین مجموعه هست که به فرزندانم بخشیده‌ام، ولی چون می تواند مورد استفاده «مرکز» قرار گیرد، امیدوارم فرزندانم با «مرکز» به توافق برسند. توقع دارم فهرستی از آنها توسط «مرکز» انتشار داده شود که دیگران هم در آینده از آنها بهره‌ور شوند.



سیدعبدجبار سراج‌شیرازی

بازار  
موزه  
کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

۱۰. تابلوهای حاوی باسمة‌های فرنگی و خطوط و نقاشی

منصوبه در خانه و کتابهای هنری و لوکس تصویری که جدا از کتابخانه است و تعدادشان از سی نمی‌گذرد، کلاً متعلق به فرزندانم است، مگر آنکه آنها به «مرکز» واگذار کنند.

## ه- اسناد و اوراق

۱. اوراق و نوشته‌جات بازمانده از مرحوم سیدحسن تقی زاده که همسر آن مرحوم به من سپرده است، حاوی نامه‌های شخصی و گزارشهای سیاسی است (در یک چمدان)، و نیز مسوده‌های مقالاتی که اغلب را به طبع رسانیده‌ام، ولی اصول آنها را نگاه داشته‌ام (در یک کارتن) و ضرورت دارد به یادگار آن دانشی مرد که از بنیانگذاران رشته‌ی ایران‌شناسی است نگاه‌داری و تجلید شود. قسمتی هنوز چاپ نشده است و آنها جداگانه در یک جعبه‌ی فایل با عناوین گاه شماری-سازانیان-مانی-عربستان و... طبقه‌بندی شده است.

۲. چهار مجلد خطی از یادداشتهای محمد قزوینی، موسوم به مسائل پاریسیه که هنوز چاپ نکرده‌ام. آنها را مرحوم سیدحسن تقی زاده به من داد. یک جلد از چهار جلد در حال حاضر نزد آقای علی محمد هنرست برای استخراج و استنساخ مطالب تا نسبت به چاپ آنها اقدام بشود و می‌باید به من مسترد دارد.

۳. نامه‌ها و اوراق و مقالات مرحوم پدرم دکتر محمود افشار که در جعبه‌ی فایل (شماره‌ی یک) نگاه‌داری می‌شود.

...

۵. اوراق و اسناد مالی و دیوانی و ملکی میرزا عیسی وزیر که در ملکیت مرحوم عبدالله انتظام بود و پس از وفات ایشان، آنها را خانم آن مرحوم به توسط دوستان علی غفاری (همشیره زاده‌ی انتظام) به من داد (یک کارتن).

۶. اوراق و گزارشهایی که مرحومان عبدالله انتظام و حسنعلی معاون الدوله غفاری به من التفات کرده‌اند (در دو پاکت کوچک است).

۷. اوراق و نامه‌هایی مربوط به مرحوم معاضدالسلطنه پیرنیا که توسط فرزندش مرحوم دکتر حسین پیرنیا به من داده شده (در دو پاکت).

۸. بیست و سه دفتر از تألیفات و یادداشتهای مرحوم علی محمد فراشبندی (برازجانی) به خط خود او که تحویل داده‌ام و اگر ورثه محترمشان رضایت به ماندن درین مجموعه نداشته باشند، باید مسترد شود.

تبصره: من مقداری از اسنادی را که در اختیار داشته‌ام چاپ کرده‌ام، چه به صورت کتاب مستقل و چه به صورت مقاله. از مرکز دائرةالمعارف انتظار دارم مجموعه‌ی اسنادی را که پراکنده چاپ کرده‌ام به نظم مناسب تدوین کنند و در مجلداتی چاپ کنند که به آسانی در دسترس باشد و اگر معایر هدفهای مرکزست به ناشی آزاد واگذار کنند. درین زمینه از فرزندم بابک افشار بخواهند که اقدام کند.

## و- نوشته‌های خودم و چاپ شدنیهای نیمه کاره

۱. مقالات نیمه تمام در جزوه‌دانهای جداگانه (نام هر یک بر روی آنها قید شده).

۲. اسناد چاپی و اعلامیه‌ها و فوق‌العاده‌ها و رساله‌های مربوط به عصر مشروطیت که به عنوان جلد دوم و سوم قبلاً تاریخ در نظرست، با کاوه بیات به چاپ رسانیده شود (در یک کارتن و دو پوشه). اگر به چاپ نرسانده باشم، می‌باید چاپ شود. آقای بیات اختیار کامل دارد نسبت به چاپ آنها اقدام کند بدون قید و شرطی.

۳. یادداشتهای و عکسهای مربوط به کتاب مفاز (بررسی ابنیه و آثار نائین، بیابانک، اردستان و زواره).

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی اتریش (در دو دفتر و ضمائم عکسی آن).

۵. یزدنامه (یک کارتن).

۶. اوراق حروف چینی شده جلدهای یازدهم و دوازدهم از مقالات تقی زاده.

۷. ریاض الفردوس که از روی نسخه‌ی یگانه آن، مقداری تصحیح مقدماتی شده است.

۸. نامه‌های فروغ الدوله که تصحیح مقدماتی شده است.

۹. خاطرات حسام الدوله که نیم بیشتر آن منظم شده است.



استاد ایرج افشار، اللهیار خان صالح، دکتر عباس زریاب خوبی و دکتر رضا مستوفی فرد یکی از آثار مکشوفه در تبه‌های مارلیک را بررسی می‌کنند.



۱۲. برگه‌های مربوط به کتابهای انتقادی، آزادی، تمدن فرهنگی.

۱۳. برگه‌های لغات پیشه‌ها که به تشویق و مخارج مرحوم مهندس ناصح ناطق گردآوری شد و کیفیات آن را در مقدمه‌ی واژه‌نامه یزدی گفته‌ام. این برگه‌ها در داخل برگردان آهنی است و به امانت در ساختمان موقوفه‌ی دکتر محمود افشارست و از آنجا می‌باید منتقل شود. (برگه‌ها به مرکز دائرة المعارف منتقل شده است، مگر بخش مربوط به اصفهان که در اختیار آقای محمدرضا محمدی گذاشته‌ام که تنظیم بفرمایید.)

### ح- نامه‌های دریافتی

در طول مدت پنجاه سال پیش، نامه‌های زیاد، دوستانه و کارانه، چه از ایرانیان و چه از ایرانیانسان خارجی و مؤسسات فرهنگی به من رسیده است. آنها را نگاه‌داری و طبقه‌بندی کرده‌ام به این ترتیب:

۱. نامه‌های ایرانیان به ترتیب الفبایی (که فعلاً در شانزده کلاسور و دوازده بسته و جعبه نگاه‌داری می‌شود. فهرستی از این افراد نوشته‌ام که در دو دفتر ثبت است و درخواست کرده‌ام به همراه این مشروحه به چاپ برسد. تعداد آنها به ده پانزده هزار نامه بالغ می‌شود. تعداد ایرانیانی که نامه نوشته‌اند به سرحد دو هزار نفر می‌رسد. به طور مثال از جمال زاده سیصد و شصت نامه درین مجموعه هست. بعضی از نامه‌های او چند ورق است. استفاده و چاپ این نامه‌ها در صورتی که نویسنده‌ی نامه در گذشته باشد آزادست و اگر در قید حیات باشد باید برای چاپ از او کسب اجازه کرد.

۲. ایرانیانسان اروپایی و ژاپنی که به ترتیب الفبایی منظم شده است (متجاوز از چهارصد نفر).

۳. ایرانیانسان مسلمان (افغانها، هندیها، ترکها، و عربها) به ترتیب الفبایی منظم شده است (متجاوز از دویست نفر).

۴. مؤسسات خارجی (دانشگاهها، کتابخانه‌ها، انتشاراتها).

۵. اوراق و احکام رسمی دانشگاهی خودم و دعوتنامه‌های شرکت در جلسات مختلف فرهنگی که برای مطالعه‌ی تاریخ فعالیت‌های فرهنگی سالهای گذشته مفیدست.

این مجموعه برای تحقیق در احوال بسیاری از مردان فرهنگی معاصر منبع ارزشمند و حاوی اطلاعاتی در مسائل مربوط به ادب و تاریخ ایران است. به طور نمونه به نامه‌های سعید نفیسی، دکتر رضازاده شفق، حبیب یغمایی، امیرمهدی بدیع، اللهیار صالح، دکتر

۱۰. مقامات با یزید بسطامی که با مرحوم دانش‌پژوه کار شده است.

۱۱. نزهة العقول که تصحیح مقدماتی شده است.

۱۲. انیس الخولة که مقداری تصحیح مقدماتی شده است.

۱۳. تاریخ شاه‌ی کرمان که مقابله شده است.

۱۴. جواهرنامه‌ی نظامی که تصحیح شده است و آقای محمدرسول دریاگشت در استنساخ آن به من کمک کرده است.

۱۵. کشاورزی ده‌بایی که تا اواخر متن تصحیح شده است.

۱۶. نامه‌های ناصرالحکماء که می‌باید استخراج شود.

۱۷. مقالات ایران زمین (در فایل شماره ۲).

۱۸. یادداشتهای مشروطیت از علیم السلطنه منشی باشی شیرازی که با کمک احمد شعبانی تهیه و تنظیم شده است.

۱۹. تبصرة المسافرین که با محمدرسول دریاگشت تهیه می‌شود و عکس نسخه در حال حاضر نزد اوست.

۲۰. اسناد ظهیرالدوله (جلد دوم) حاوی تلگرافات و نامه‌ها.

کتابهای ردیف ۴، ۸، ۹، ۱۴، ۱۸ و ۱۹ در دست چاپ است.

### ز- برگه‌های پژوهشی

۱. برگه‌های فهرستنامه‌ی کتابشناسیهای ایران که برای چاپ دوم تهیه شده (با همکاری فرید قاسمی و محمد فرح‌زاد) و در یک جعبه‌ی چرمی و یک کارتن کشویی نگاه‌داری می‌شود.

۲. برگه‌های جلد دوم کتابشناسی فردوسی که به آقای علی میرانصاری داده‌ام که آماده‌سازی کنند و باید اصول آنها به گنجینه برگردانیده شود. (ایشان از راه لطف برگه‌های مقالات را از روی فهرست مقالات فارسی ردیف و الفبایی کردند و اصل آنها را برگردانیده‌اند. کتابشناسی فردوسی اکنون در مؤسسه‌ی فهرستگان در دست آماده‌سازی است.)

۳. برگه‌های سفرنامه‌های فارسی. (دو دسته بزرگ و کوچک).

۴. برگه‌های نام مدارس قدیمه‌ی ایران (یک جعبه).

۵. برگه‌های رجال تاریخی و ادبی یزد (دو جعبه).

۶. برگه‌های مباحث نسخه‌شناسی خطی (دو جعبه).

۷. برگه‌های اصطلاحات نسخه‌های خطی.

۸. برگه‌های کتابخانه‌های قدیم.

۹. یادداشتهای الفبائی (هفت جعبه).

۱۰. برگه‌های کتابشناسی خوزستان.

۱۱. برگه‌های مربوط به ترجمه در دوره‌ی قاجار.

محسن صبا، فریتز مایر، ولادیمیر مینورسکی و دیگران نگاه شود که در مجله‌ها به چاپ رسانیده‌ام. تصور می‌کنم این مجموعه، ارزشمندی فرهنگی دارد که مقداری منتخب از اهم آنها به چاپ برسد. امید است مؤسسه وسایل تدوین و نشر آنها را فراهم سازد و یا ناشری را برای آن بیابد. فرزندانم در چاپ آنها احق و مقدم بر دیگران خواهند بود و هر مقدار از آنها را که بخواهند مرکز به آنها فتوکپی بی‌قید و شرط باید بدهد.

### متفرقه

۱. صفحه‌ها و نوارهای خاطرات سیدحسن تقی زاده.

۲. برگه‌های مربوط به فهرست مقالات فارسی جلد‌های دوم تا ششم در پنج کارتن که برای چاپ درهم آن مورد استفاده خواهد بود. و اگر ناشری بخواهد که شش مجلد را در همکرده به چاپ برساند، می‌تواند ازین برگه‌ها استفاده کند.

۳. کارت ویزیت اشخاص (یک جعبه) مانند دکتر مصدق، اللهیار صالح، نجم الملک، تقی زاده، علی اصغر حکمت و رجال و ادبای دیگر.

۴. اصل نوشته و عکسهای کتاب یادگارهای یزد و بعضی از مؤلفات دیگر اینجانب که ضرورت به نگاه داری آنها بوده است.

۵. اصول اشعار و مقالات کسانی که برای چاپ به مجله آینده فرستاده بوده‌اند، ولی به چاپ ترسیده است (در سه یا چهار پوشه بزرگ).

۶. عکسهای برداشته شده توسط خودم از مناظر و اشخاص. آن مقدار از آنها را که فرزندانم بخواهند متعلق به آنهاست و در هر حالی حق دارند بردارند. بقیه چون جنبه فرهنگی، تاریخی و طبیعی دارد و می‌تواند مورد استفاده دیگران قرار گیرد از آن مرکز خواهد برد.

### انتظارات

۱. حفاظت کامل گنجینه و نگاهبانی همه جانبه، مخصوصاً در موارد استفاده از مواد غیر کتابی.

۲. تهیه فهرست مجموعه و نشر قسمتهایی که ضرورت دارد عامه بر وجود آنها اطلاع حاصل کنند، مانند رساله‌ها، عکسها، اسناد و نامه‌های اشخاص.

۳. پیدا کردن ناشر برای چاپ مجموعه مقالات من به گردآوری فرزندانم، مخصوصاً آنچه مربوط به اسناد، و فیات ادبا، رساله‌های قدما و مباحث ادبی و تاریخی است. خوشبختانه فهرست موضوعی

مقالات تا سال ۱۳۷۷ را فرزندانم جمع آوری و در لوس آنجلس طبع کرده‌اند و یک نسخه از آن ضمیمه این مشروحه است.

۴. محل کار و وسایل مرسوم در اختیار اینجانب قرار گیرد.

**توضیح:** کلیه نسخ مکرر تألیفات خودم و دوره‌های مجله آینده و فرهنگ ایران زمین و راهنمای کتاب در هر کجا از خانه که باشد از اجزاء گنجینه پژوهشی نیست و کلاً متعلق به فرزندانم است. همچنین یک کارتن محتوای اوراق موقوفه پدرم که فعلاً در اطاق مهمانخانه است، متعلق به موقوفه دکتر محمود افشارست و باید به طور رسمی به دفتر آنجا تحویل و اخذ رسید شود.

این مشروحه در پانزده صفحه که همه اوراقش را امضا کرده‌ام تنظیم شد و در دوازده نسخه تکثیر شد و یک نسخه از آن همراه نامه‌ای به عنوان مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی تحویل شد که قبولی خود را نسبت به همه شرایط مندرج در آن اعلام فرمایند تا پس از آن نسخه‌ای ازین مشروحه به افراد و مراکز ذیل داده شود (فرزندانم بابک و بهرام و کوشیار و آرش-آقایان ساسان دکتر افشار (برادرم)- کاوه بیات- کامران فانی- رئیس کتابخانه ملی ایران- سازمان اسناد ملی ایران). این نسخه‌ها تماماً به امضای شخص اینجانب خواهد بود نه فتوکپی.

خدمتگذار فرهنگ ایران و ایرانشناسی

ایرج افشار

مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

دانشمند محترم جناب آقای ایرج افشار

با عرض سلام، به استحضار می‌رساند: از اینکه طبق نامه مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۲ به انضمام پانزده صفحه مشروحه امضاء شده به همراه آن، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی را جایگاه مناسبی برای سپردن مجموعه اختصاصی خود، اعم از مجموعه کتب، اسناد و مکتوبات، عکسها، فیشها و ... تشخیص داده‌اید، متشکرم. این مجموعه، بیانگر گوشه‌ای از تلاشهای بی‌وقفه بیش از نیم قرن جناب عالی، جهت اعتلای فرهنگ و ادب ایرانی است. فرزانه‌ای مثل شما ذخیره گرانبهای ملی است که اثرات وجودیش برای قرن‌ها دل همه ایران دوستان را روشن می‌سازد و دیگر آنکه مرکز، همه شرایطی را که در نامه و در مشروحه، برای صیانت و استفاده از این مجموعه مرقوم فرموده‌اید، می‌پذیرد. با درود و سپاسگزاری.

کاظم موسوی بجنوردی

رئیس مرکز

\*